

تحلیلی بر فیلم مستند «فصلی که گم شد» به کارگردانی مهدی قنواتی
نگاه کارت‌پستالی به مصائب زابل

«فصلی که گم شد» یک مستند به سبک مشارکتی حقیقت و تعاملی است، این مستند که در یکی از روستاهای توابع زابل می‌گذرد شامل پاساژها و گفتارهایی است که به صورت آزاد سوژه با دوربین و یا حاصل تعامل



سمیه خاتونی
نقد فیلم

مستندات با اشخاص مورد بحث است. قنواتی در ساخت این اثر مشاهده‌گری خود را با تکیه در این موضوع گذاشته است که تکلیف حذف یک دوره از زندگی نوجوانانی که زود تن ازدواج می‌دهند چیست؟ و در ادامه آنها را با چه مصائب و حسرت‌هایی روبرو هستند؟ در این فیلم هر چند کارگردان سعی کرده با فضا سازی‌های بدیع، شاعرانه و رنگ و نورهای خوش رنگ و لعاب روستایی حس عمیق در مخاطب ایجاد کند، اما عموماً تصاویر و نحوه پرداخت به موضوع کارت‌پستالی تکراری و قابل پیش‌بینی است، که مبنای نظریه‌ای اتخاذ این رویکرد در مواجهه با سوژه در نظریه سینمای توریستی هومی بابا و ادوارد سعید هم قابل تعمیم است.

این مستند از فصل‌های تشکیل شده که با پیرنگ محوری، مصائب و گرفتاری‌های توأمان مردم یک روستا و پاگیری شان در فرهنگ عامه و توده را بازنمایی کند و در آن به شدت جای خالی کورسویی از امید و نگاهی متفاوت به موضوع مطرح شده خالیست.

همانطور که در شرح معرفی فیلم از سوی کارگردان آمده. شروع ایده این اثر از سال ۱۳۹۶ و تولید آن از سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲ طول کشیده است، اما در فیلم بهره‌گیری از این بازه زمانی فراخ در پرداخت به موضوع مشخص نیست و بیشتر بیانگر این است که کارگردان بر تصمیم اولیه خود که نشان دادن جمله بدبختی‌های این مردم در روستا است پافشاری کرده است، هر چند که ممکن است همین گونه نیز باشد اما یکی از رویکردهای نوین در فیلم‌های مستندی که در بازه زمانی طولانی مدت فیلمبرداری شده‌اند این است که گذر زمان با اتفاقات غریب الوقوعش چه اتفاقات بد و چه اتفاقات خوب باید احساس شود که در این فیلم به صورت ویژه به آن پرداخت نشده است و به صورت سطحی و گذرنده از روند بازه زمانی گذشته است.

در جمع بندی باید گفت همانطور که به طور کل نام زابل، سیستان و بلوچستان برای همه ما همواره توأمان با غم، درد و معضلاتی چون بلایای طبیعی و مهاجرت روزافزون همراه است این فیلم باز نماینده همین مولفه‌هاست و رویکرد جدیدی را که دستمایه شناخت بیشتر و عمیق‌تر نسبت به موضوع باشد، را نمی‌بینیم

با اینکه وجود مشکلات فزاینده چه به مثابه فرهنگی و طبیعی در این مناطق غیر قابل انکار است، اما مسئله فیلم مستند که قابی صادقانه از شرح زندگی است باید به مانند درام به تاثیر عنصر تضاد توجه ویژه‌تری داشته باشد. نشان دادن مصائب زمانی تاثیر گذاری لازم را خواهند داشت که موفقیت‌ها و خوشبختی‌ها نیز نشان داده شود، مصداق این حرف پی بردن به تیرگی و معنای شب با در نظر گرفتن روز است. با این وصف مستند حاضر که با دقت و با نگاهی تلطیف شده و شاعرانه به موضوع مورد بحث خود پرداخته است، اگر رویکردی متضادی را از آغاز فیلم در کنار روایت اصلی مطرح می‌کرد می‌توانست به صورت ویژه تری تاثیر گذار باشد.

گفت‌وگوی صبا با محسن اسلام‌زاده کارگردان مستند «بهشت کوچک ما»
زندگی زیر آتش جنگ

مریم عظیمی
گفت و گو
مستند «بهشت کوچک ما» اثری جدید از محسن اسلام‌زاده است که در بخش مستندهای نیمه بلند هجدهمین جشنواره سینما حقیقت ۱۸ حضور دارد. با کارگردان این اثر گپ و گفتی داشته‌ایم.

این مستند به کدام دسته از آثار مستند تعلق دارد و به چه موضوعی می‌پردازد؟
این اثر در عین حال که یک مستند جنگی است یک مستند اجتماعی هم به حساب می‌آید. فیلم درباره زندگی یک خانواده لبنانی زیر آتش جنگ است ولی اینکه بگویم به صورت مستقیم جبهه جنگ را نشان می‌دهد نه اینگونه نیست و در واقع ما بیشتر یک مستند اجتماعی در مورد جنگ ساخته‌ایم.

این فیلم چند دقیقه است و فیلمبرداری آن چقدر به طول انجامید؟

سال گذشته و در چنین روزهایی بود که این فیلم در شهر خیام در نقطه صفر مرزی لبنان و اراضی اشغالی و در مقابل پایگاه‌های اسرائیل ضبط شد. ما برای این فیلم ۲۱ روز لبنان بودیم که حدود دو هفته از آن را به ضبط و تصویربرداری گذراندیم و پس از آن هم تدوین، صداگذاری و پژوهش بعد از تولید داشته که حدود ۱۰ ماه مراحل پس تولیدش طول کشید و اکنون در تایم نهایی حدود ۵۳ دقیقه آماده پخش و در بخش نیمه بلند تقدیم جشنواره شده است.

آیا برای اکران جهانی این فیلم اقدام شده است؟

اکران جهانی هم آن‌شالله به زودی انجام خواهد شد. مدل این مستند به گونه‌ای است که به نظر می‌رسد در اکران‌های جهانی هم بتواند توفیقاتی داشته باشد و یکی از دوستان مان کارهایش را انجام می‌دهد و امید زیادی داریم که در عرصه جهانی و در جشنواره‌های مختلف و حتی شبکه‌های مختلف تلویزیونی پخش شود. آیا از شخصیت‌های واقعی استفاده کرده‌اید؟

فیلم من قصه یک پدر و پسر است که زیر بمباران اسرائیلی‌ها خانه را ترک نمی‌کنند. ما یک نگاه بی‌واسطه به این مسئله داشتیم و دو هفته تلاش کردیم که شبیه آنها زندگی کنیم و برشی از زندگی این پدر و پسر بدون کمترین دخل و تصرف در زندگی آنها و به صورت کاملاً مستند و در موقعیت جنگی ضبط کردیم برای همین این فیلم می‌تواند نمونه‌ای باشد از مواجهه مردم لبنان با جنگ و بعضاً می‌بینیم در اخباری که از جنگ لبنان می‌رسد مردم ما یا مردمان هر گوشه دیگری از جهان نمی‌توانند لبنانی‌ها و فلسطینی‌ها را درست درک کنند و برای‌شان سوال است که چگونه این مردم می‌توانند زیر آتش جنگ



سینما
حقیقت ۱۸

آثار منتخب هجدهمین دوره از جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینما حقیقت» در ۴۰ شهر به نمایش درمی‌آید.

آثار جشنواره «سینما حقیقت» علاوه بر پردیس سینمایی چارسو که خانه جشنواره است، از فردا دوشنبه در سالن فردوس «موزه سینما» روی پرده خواهند رفت.

مستند «پرواز در مه» به تهیه‌کنندگی مجتبی امینی که به ماجرای سقوط هلی کوپتر شهید آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی می‌پردازد، در بخش نمایش ویژه هجدهمین جشنواره «سینما حقیقت» روی پرده می‌رود.

فیلم «افسانه اصفهان» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی بهروز ملیپوس باف اصفهانی، «بیز ایرانی» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی رضا استادی، «خاک مادر» به کارگردانی محسن اسلام‌زاده و تهیه‌کنندگی مصطفی خیری پور، «درباره مهر داد بهار» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی پیام مستوفی، «صد سال تطور» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی عباس صالح مدرسه‌ای، و «من هامون» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی کامیل سوهانی در بخش خارج از مسابقه جشنواره سینما حقیقت اکران خواهند شد.

کارگردان مستند «لب شور» گفت: تالاب میانکاله نه تنها یک محیط ایده‌آل برای زندگی و زمستان‌گردانی بیش از ۹۰ گونه جانوری است، بلکه از گذشته‌های دور محل زندگی و تأمین معیشت بومیان میانکاله از طریق دامداری و صید بوده است. اتسنیم

کارگردان مستند «بی‌بی جان» این مستند را وسیله‌ای برای آگاهی‌سازی درباره بیماری «بی‌بی‌یو» دانست که ماجرای زندگی مادری با سه کودک معلول ذهنی و جسمی را روایت می‌کند. ایلنا

نما مهبان که با مستند «یک وجب خاک» در «سینما حقیقت» حضور دارد، گفت: این فیلم مستند داستان شرافت و انتخاب آدم‌ها در دوره‌های هاست. اتسنیم

